

نقدی بر
کاربستِ
روش تحلیلِ
کاربردی رفتار
(ABA)

دمیان میلتن

گروه ترجمه کمیته پژوهش،
انجمن حمایت از حقوق کودکان
فروردین ۱۴۰۰

**A critique of the use of Applied Behavioural Analysis (ABA)
2018**

Damian Milton
University of Kent, United Kingdom

A critique of the use of Applied Behavioural Analysis (ABA)

2018

Author: Damian Milton

University of Kent, United Kingdom

نقدی بر کاربست روش تحلیل کاربردی رفتار (ABA)

مؤلف: دمیان میلتن

تاریخ انتشار متن انگلیسی: ۲۰۱۸

تاریخ انتشار متن فارسی: فروردین ۱۴۰۰

مترجمان: حمید فراهانی، کیمیا ایزدی‌خو

ویرایش و مقابله با متن انگلیسی: حمید فراهانی، فاطمه یزدانی

ویرایش فنی و صفحه‌آرایی: یاسمین حشدری

نقاشی روی جلد: ترکیب‌بندی با سطح قرمز بزرگ و زرد، سیاه، خاکستری و آبی اثر پیت موندریان

انتشار ترجمه فارسی: گروه ترجمه کمیته پژوهش، انجمن حمایت از حقوق کودکان

- انجمن حمایت از حقوق کودکان با هدف تفهیم، تبلیغ و ترویج اصول پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک در سال ۱۳۷۳ با مجوز ۱۱۳۳۸ از وزارت کشور در ایران تأسیس شده است.
- کلیه حقوق معنوی این ترجمه متعلق به پدیدآورنده آن یعنی انجمن حمایت از حقوق کودکان است.
- هرگونه استفاده از این ترجمه مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد، با ذکر نام انجمن حمایت از حقوق کودکان و نام مترجمان و ویراستاران بلامانع است.
- هرگونه تغییر یا تحریف در این ترجمه و نشر آن به‌همراه نشان و نام انجمن حمایت از حقوق کودکان، بدون اجازه انجمن حمایت از حقوق کودکان ممنوع است.
- تکثیر و چاپ این ترجمه به‌قصد فروش یا بهره‌برداری مادی به هر طریق، بدون اجازه انجمن حمایت از حقوق کودکان ممنوع است.
- این متن صرفاً برای اهداف پژوهشی ترجمه شده است و محتوای آن الزاماً نظرات انجمن حمایت از حقوق کودکان را منعکس نمی‌کند.
- موضوعات مطرح‌شده در این متن به‌هیچ‌وجه پیشنهادهایی برای کاربردهای بالینی مستقیم نیستند، بلکه ماهیتاً پژوهشی هستند و برای طرح بحث و ضرورت بازاندیشی مطرح شده‌اند.

مقدمه

متن پیش رو توسط دمیان میلتن^۱، پژوهش‌گر اوتیستیک، به‌عنوان ضمیمهٔ بیانیهٔ گروه تنوع عصبی در انگلستان نگاشته شده است و مروری فشرده اما نسبتاً جامع بر انتقادات مربوط به روش تحلیل کاربردی رفتار است. روش تحلیل کاربردی رفتار یکی از روش‌های رایج در اقدامات موسوم به توان‌بخشی کودکان اوتیستیک در سرتاسر جهان است. با این حال در سال‌های اخیر بسیاری از فعالان حقوق کودکان، فعالان حقوق معلولان و اجتماعات آکادمیک افراد معلول و اوتیستیک در رشته‌هایی مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به انتقاد از آن پرداخته‌اند، زیرا آن را آزارگرانه، معلولیت‌هراس، توان‌سالار و از لحاظ نظری و عملی دارای خلأها و کاستی‌های اساسی می‌دانند. کمیتهٔ پژوهش انجمن حمایت از حقوق کودکان با باور به ضرورت اینکه در امور و مسائل معلولان باید صدا، نظرات و دیدگاه‌های خود افراد دارای معلولیت از جمله افراد اوتیستیک در اولویت قرار گیرد، به‌مناسبت روز جهانی پذیرش اوتیسم^۲، و با توجه به ضرورت به‌روز شدن دانش در این حوزه، بالاخص برای کنشگران و جامعهٔ علمی و دانشگاهی، اقدام به ترجمه و انتشار این مقالهٔ کوتاه اما کلیدی کرده است. لازم به تأکید است هدف از ترجمه و انتشار این مقاله توصیه به تغییر رویهٔ ناگهانی در مداخلات بالینی و ارائهٔ توصیه‌های بالینی نیست، بلکه هدف طرح ضرورت بحث برای بازاندیشی دقیق و علمی است، به‌گونه‌ای که در آن به تجارب زیستهٔ کودکان و بزرگسالان اوتیستیک و نظرات آن‌ها و دستاوردهای مطالعات انتقادی معلولیت توجهی جدی‌تر شود.

۱۳ فروردین ۱۴۰۰

گروه ترجمهٔ کمیتهٔ پژوهش، انجمن حمایت از حقوق کودکان

1. Damian Milton

۲. فعالان اوتیستیک روز دوم آوریل و ماه آوریل را با نام روز و ماه پذیرش اوتیسم بازمی‌شناسند و هدف اقدامات ترویجی خود را ایجاد پذیرش در جامعه برای افراد اوتیستیک می‌دانند.

درباره نویسنده

دکتر میلتون در رشته‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه و آموزش تحصیل کرده و دکترای خود را در رشته آموزش افراد اوتیستیک از دانشگاه بیرمنگام اخذ کرده است و از سال ۲۰۰۰ تا کنون به‌عنوان معلم و سپس استاد دانشگاه و پژوهش‌گر به فعالیت علمی و آموزشی می‌پردازد. هم او و هم پسرش، هر دو اوتیستیک هستند و همین موضوع یکی از انگیزه‌های اساسی او برای کار در این زمینه است. میلتون در دانشگاه‌های کینت (کانتربری) و ساوث وست بنک در زمینه معلولیت‌های شناختی و رشدی، و جامعه‌شناسی سلامت تدریس می‌کند و ریاست جمعیت پژوهش‌های مشارکتی اوتیسم (PARC) را نیز برعهده دارد. علاوه بر عضویت در انجمن روان‌شناسی بریتانیا و انجمن جامعه‌شناسی بریتانیا، میلتون عضو کارگروه ویژه افراد اوتیستیک و رئیس بخش دانش و تخصص انجمن اوتیسم بریتانیا و همچنین عضو شورای سردبیری فصل‌نامه علمی - پژوهشی معلولیت و جامعه (Disability and Society)، از مهم‌ترین مجلات حوزه مطالعات معلولیت، است. وی چند کتاب از جمله کتاب *دندان‌های ناهمگون: کاوش‌هایی در اوتیسم، نظریه و عمل* و ده‌ها مقاله پژوهشی درباره اوتیسم نوشته و همچنین نظارت و ویراستاری علمی آثار مهمی مانند کتاب مرجع *دوجلدی اوتیسم و معلولیت‌های شناختی در بزرگسالان* را برعهده داشته است.

نقدی بر کاربست روش تحلیل کاربردی رفتار (ABA)

«... درست از همان ابتدا، از زمانی که شخصی سروکله‌اش با کلمهٔ اوتیسم پیدا شد، اوتیسم از بیرون افراد اوتیستیک^۱ و از روی ظاهر مورد قضاوت قرار گرفت، نه از درون و بر اساس اینکه چگونه تجربه می‌شود.» (Williams, 1996:14)

این گزارش به کاربرد رایج دو روش تحلیل رفتار کاربردی (ABA)^۱ و تقویت رفتار مثبت (PBS)^۲، انتقاداتی که به این دو روش شده است و چرایی اینکه جامعهٔ افراد دارای تنوع عصب‌شناختی از آن‌ها حمایت نمی‌کنند، می‌پردازد و درنهایت با پیشنهادهای برای اقدامات آتی جمع‌بندی می‌شود. تحلیل کاربردی رفتار را می‌توان کاربست تکنیک‌های برآمده از فلسفهٔ رفتارگرایی رادیکال^۳ دانست (که اسکینر^۴ و دیگران پیشگام آن بودند). تحلیل کاربردی رفتار در پی آن است که نظریهٔ رفتارگرایانهٔ یادگیری را در راستای جایگزینی رفتار [مطلوب با نامطلوب] به کار گیرد. «رفتارگرایی روش‌شناختی»^۵ تعدیل رفتار را نسبت به «ارزیابی کارکردی» پیش‌آیندها^۶، رفتارها^۷ و پیامدهای رفتارها^۸ در یک موقعیت (یا همان روش ABC) در اولویت می‌داند. بااینکه نظریه و عمل رفتارگرایی در دوران معاصر از رفتارگرایی روش‌شناختی عبور کرده است، همچنان کانون توجه اصلی‌اش بر کاهش رفتارهایی که «کج‌روی» یا «نامناسب» تلقی می‌شوند و تقویت

-
1. Applied Behaviour Analys
 2. Positive Behavioural Support
 3. philosophy of radical behaviourism
 4. Skinner
 5. methodological behaviourism
 6. antecedents
 7. behaviour
 8. consequences of behaviour

رفتارهایی است که از نظر اجتماعی «درست» و «قابل قبول» قلمداد می‌شوند. بر اساس اصول رفتارگرایی رادیکال، با افکار و احساسات همان‌طوری برخورد می‌شود که با اعمال قابل‌مشاهده (Research Autism, 2018). این مکتب مورد انتقاد سایر مکاتب روان‌شناسی و فلسفه ذهن بوده است (Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2018). هواداران روش تحلیل کاربردی رفتار اشاره می‌کنند که این روش «علم طبیعی» رفتار است، نه «علمی اجتماعی» که مبتنی بر بساخت‌هایی فرضی باشد.

«نظریه‌های مختلف درباره علت اوتیسم چندان توجه تحلیل‌گران رفتار را جلب نمی‌کند.» (childrenautism, 2018)

منتقدان روش تحلیل کاربردی رفتار معتقدند این روش بیش از آنکه علمی طبیعی و بی‌طرف باشد، به قیمت نادیده گرفتن و حذف مفاهیمی که از سایر علوم و رشته‌ها و رویکردها برآمده‌اند، از مفاهیمی ناپسند استفاده می‌کند. با اینکه این روش نظریه و کاربردی عمومی هم دارد، هم برخی از منتقدان و هم برخی از هواداران آن به اشتباه فکر می‌کنند که تحلیل کاربردی رفتار مداخله‌ای مختص افراد اوتیستیک است. البته تاریخ روش تحلیل کاربردی رفتار بیرون از حوزه اوتیسم نیز چندان بدون مناقشه نبوده است. یکی از پیشگامان استفاده از روش تحلیل کاربردی رفتار برای بدل کردن افراد اوتیستیک به «افرادی غیرقابل تشخیص از سایرین» ایوار لُواس^۱ است که از این روش به‌عنوان «درمان تغییر جنسیت» برای کودکان ترنس استفاده می‌کرد:

«رِکِرِز و لُواس^۲ این روش را به‌عنوان اقدامی در جهت رفع نگرانی‌های والدین و نه مسائل کودکان به‌کار می‌بستند. علاوه بر این، منتقدان همه چهار توجیهی را که رِکِرِز و لُواس برای ادامه این روش داشتند به چالش کشیده‌اند. این چهار توجیه شامل این موارد است: کاهش آلام پسران؛ اینکه این "مشکل" ممکن است در بزرگسالی هم ادامه یابد؛ اینکه مداخله زود هنگام شاید تنها مداخله نتیجه‌بخش باشد و اینکه "والدین دچار اضطراب شده بودند."» (Wilhite, 2015)

1. Ivar Lovaas
2. Rekers and Lovass

این ملاحظات، به شکلی رعب‌آور، مشابه توجیهاتی هستند که دربارهٔ اینکه چرا روش تحلیل کاربردی رفتار در بیشتر اوقات روی افراد دارای تنوع عصب‌شناختی اجرا می‌شود، ارائه می‌شود. در بریتانیا شکلی کمتر افراطی از روش تحلیل کاربردی رفتار با عنوان تقویت رفتاری مثبت استفاده می‌شود:

«یکی دیگر از راه‌های تصمیم‌گیری دربارهٔ اینکه چه چیزی باید به کودک دارای اوتیسم آموزش داده شود، درک روند عادی^۱ رشد کودک است. ما باید بپرسیم مهارت‌های رشدی کلیدی که کودک از قبل به آن‌ها دست یافته و آن مهارت‌های رشدی کلیدی که باید در مرحلهٔ بعد یاد بگیرد چه هستند. برنامهٔ درسی رسمی سایر کشورهای بریتانیا^۲ نیز به ما نشان می‌دهد که کودکان باید چه چیزهایی را بیاموزند. بعد از این، نوبت رفتارهای محوری است که به تداوم رشد کمک می‌کنند: آموزش ارتباط، مهارت‌های اجتماعی، فعالیت‌های روزمره یا مهارت‌های درسی که در بلندمدت استقلال و دامنهٔ انتخاب فرد را تقویت می‌کنند.» (Hastings, 2013)

با وجود اینکه نظریه‌پردازان رفتارگرا در دوران معاصر، مانند هستینگ (۲۰۱۳)، که هوادار روش تقویت رفتاری مثبت هستند، ادعا می‌کنند از رهیافتی مبتنی بر مدلی اجتماعی و غیرهنجارساز^۳ بهره می‌برند، با توجه به جملات نقل‌قول بالا روشن است که رهیافتی هنجاری به رشد و آموزش کودک اتخاذ شده است. چنین دیدگاهی در تعارض با نظرات کنش‌گران معلول و اوتیستیک و دارای تنوع عصب‌شناختی دربارهٔ مداخلات رفتاری است. پژوهش اخیر از هسیوتیس^۴ و همکارانش (۲۰۱۸)، که با روش کارآزمایی بالینی کنترل‌شده با نمونه‌گیری خوشه‌ای در چندین مرکز انجام شده، نشان می‌دهد که برخلاف ادعاها هیچ «اثر درمانی»‌ای از حیث کاهش «رفتارهای چالش‌برانگیز» میان افراد اوتیستیکی که در مراکز با کادر آموزش‌دیده برای اجرای روش تقویت رفتاری مثبت تحت مراقبت بوده‌اند و افراد اوتیستیکی که

1. typical

۲. منظور کشورهای انگلند، اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی است.

3. non-normalising

۴. Angela Hassiotis: استاد تمام در رشتهٔ معلولیت‌های ذهنی و مدرس و پژوهشگر در دپارتمان روان‌پزشکی دانشگاه UCL (لندن) و عضو شورای سردبیران ژورنال دستاوردهای پژوهش در سلامت روان معلولیت‌های ذهنی و ویراستار ژورنال سیاستگذاری‌ها و اقدامات در حوزهٔ معلولیت‌های شناختی-رشدی

در مراکزی با کادر آموزش‌نדיده تحت مراقبت بوده‌اند، مشاهده نشده است و پژوهش‌های بعدی باید: «... سعی کنند به دنبال یافتن مداخلات دیگری باشند تا بتوانند رفتارهای چالش‌برانگیز را

کاهش دهد.» (Hassiotis et al., 2018:1)

انجمن تحلیل‌گران رفتار بریتانیا^۱ معتقد است که استفاده از روش تحلیل کاربردی رفتار باید مبتنی بر مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌ها باشد، از جمله تمرکز بر «فرد» و «کسب مهارت». «تحلیل‌گران رفتار باید مطمئن شوند که اهداف، روش‌ها و نتایج هر مداخله‌ای برای کسی که قرار است رفتارش تغییر کند و همچنین برای سایر افرادی که وی برایشان اهمیت دارد (مانند والدین، مراقبان و معلمان) نیز مهم است و باید قابل فهم و قابل پذیرش باشد.» (UK-SBA, 2018)

می‌دانیم که روش تحلیل کاربردی رفتار روی کودکان کم‌سن و غیرکلامی یا کم‌حرف اوتیستیک اجرا می‌شود، این موضوع ارتباطی، با نبود فهم کافی در افراد غیراوتیستیک به هنگام تفسیر کنش‌های افراد اوتیستیک، بدل به مشکلی مضاعف می‌شود (Milton, 2012, Chown,) (Sasson and Morrison, 2017, Heasman and Gillespie, 2014). از این رو، نمی‌توان از تحقق ارزش‌ها و اصولی که گفته شد اطمینان حاصل کرد. تصمیمات اخلاقی دربارهٔ اینکه باید به کدام رفتارها پرداخت و چرا، همچنان به خود مراقبان و مشاوران سپرده شده است. همچنین این موضوع نیز قابل توجه است که آن رفتارهایی که متخصصان با استدلال «اعتبار اجتماعی» مستلزم تغییر می‌دانند، از سوی افراد اوتیستیک (که از آن‌ها انتظار می‌رود آن رفتار را انجام دهند و خود را انطباق دهند)، واجد اهمیت و قابل فهم و قابل پذیرش نیست.

مسائلی مشابه آنچه گفتیم دربارهٔ سایر هویت‌های تنوع‌عصب‌شناختی نیز می‌تواند صادق باشد.

«هر تصمیمی دربارهٔ اینکه چگونه باید رفتاری مورد ارزیابی قرار گیرد یا تغییر داده

شود، برای شرایط فرد هم واجد حساسیت است و هدفش بهبود کیفیت زندگی است.»

(UK-SBA, 2018)

با این حال، این موضوع در شرایطی که کیفیت زندگی در چهارچوبی هنجاری و بدون در نظر گرفتن نظرات افراد دارای تنوع‌عصب‌شناختی تعریف می‌شود و یا حتی عامدانه انتقادات را نادیده می‌گیرد، بدل به سرکوبی تواناسالارانه می‌شود. تحلیل‌گران رفتار پیشنهاد می‌کنند که

1. UK Society of behaviour Analysts

«کسب مهارت» باید اولویت اول مداخله در نظر گرفته شود. این رویکرد افراد دارای تنوع عصب‌شناختی را متحمل فشار هم‌رنگ کردن خود با جامعه می‌کند. درحالی‌که در مقابل هیچ تلاش مشابهی نمی‌کند (Milton, 2014; 2017) «...تا با بهبود مهارت‌هایی که می‌توانند موانع یادگیری را حذف کنند و تسهیل‌کننده استقلال فرد باشند به موضوع کیفیت زندگی بپردازد، و آدر عوض، در بهترین حالت، دستورالعمل‌ها و فرایندهای مبتنی بر روش تحلیل کاربردی رفتار هستند...» (Keenan et al. 2014:167)

روایت‌هایی که برخی از هواداران مهم روش تحلیل کاربردی رفتار ارائه می‌دهند اوتیسم و سایر «شرایط» رشدی-عصب‌شناختی را «موانعی» در راه یادگیری، و روش تحلیل کاربردی رفتار را راهی برای تسهیل استقلال فردی و بهبود مهارت‌ها (که قرار است به بهبود کیفیت زندگی کمک کند) تلقی می‌کنند. اما چنین مدعایی به شدت هنجاری و با مدل اجتماعی معلولیت ناهمدل است. هواداران روش تحلیل کاربردی رفتار انتقادات به این روش را بد و کاریکاتوری جلوه می‌دهند و سعی می‌کنند با این انتقادات چندان درگیر نشوند. درحالی‌که توجه به این انتقادات ضرورت دارد، چون متوجه روشی هستند که روی افرادی اجرا می‌شود که به صورت بالقوه آسیب‌پذیر هستند.

«شاید از گروه‌هایی که کارشان لابی‌گری است انتظار داشته باشیم که دیدگاه‌های احساسی یا لجوجانه داشته باشند، اما از دانشمندان انتظار بیشتری می‌رود. انتظار می‌رود تحمل بررسی و کندوکاو و پذیرش نقد را داشته باشند و در روش تجربی و تفسیر نتایج بی‌طرف باشند. رشته‌ای که درباره روش کار خود ادعاهای متحورانه می‌کند، درباره جایگاه علمی خود اغراق می‌کند و در توافق روی اصطلاحات خودش با دشواری روبه‌روست، در کسب اعتبار علمی هم دچار دردسر خواهد بود.» (Hughes, 2008)

به نظر بسیاری از کنش‌گران دارای تنوع عصب‌شناختی، دستور کار هنجاری‌سازی، که در ذات رویکردهایی [مانند تحلیل کاربردی رفتار] است، نه کاریکاتور، بلکه تجربه‌ای است از زندگی در جامعه‌ای که ماهیتاً تواناسالار است. اینکه چه کسی اجازه دارد مفاهیمی مانند «مناسب»، «چالش‌برانگیز»، «دچار اختلال» و «از نظر اجتماعی مهم» را تعریف کند همواره آمیخته با روابط نابرابر قدرت است (Mason, 2005). انکار آزارهایی که افراد مستقیماً به واسطه

اینکه روش‌هایی مانند تحلیل کاربردی رفتار رویشان اجرا شده احساس کرده‌اند، معمولاً میان افراد دارای تنوع عصب‌شناختی و گاهی برخی از والدین، موجد خشمی فزاینده و یا ناامیدی است (به‌عنوان مثال نگاه کنید به: Dalmayne, 2018, Omum2, 2018, realsocialskills, 2018). با این حال، کنش‌گران [در کنار این خشم و ناامیدی] همچنان سعی می‌کنند دلیل مخالفت خود را با جزئیات توضیح دهند و حتی میان تجربه‌های متفاوت از روش تحلیل کاربردی رفتار تفاوت قائل شوند [و تعمیم ندهند] (Unstrangemind, 2018). مناقشهٔ بغرنجی که میان رویکرد روش تحلیل کاربردی رفتار و منتقدان آن وجود دارد صرفاً بر سر اهداف ایدئولوژیکی که روش تحلیل کاربردی رفتار دارد نیست، بلکه به فرایندهای اقداماتی که بر این روش مبتنی هستند نیز مربوط می‌شود.

میلتون (2016) در پژوهش خود متوجه شد با اینکه مداخلات مشابه با تقویت رفتاری مثبت مورد استقبال والدین است، افراد اوتیستیک دربارهٔ چنین مداخلاتی دیدگاهی متضاد با والدین دارند. مناقشهٔ میان این دیدگاه‌ها همچنان ادامه دارد، اما فهم بهتر دلایل اینکه چرا ذی‌نفعان مختلف جذب ایدئولوژی‌ها و اقدامات مختلف می‌شوند می‌تواند به برساختن زبانی مشترک کمک کند که بشود با آن دربارهٔ مسائل بحث کرد. اما این قدم پیشرو با مانعی مواجه است: هواداران دگم و متعصب روش تحلیل کاربردی رفتار و تمرکز تک‌بعدی آن‌ها بر کاهش رفتارهای موسوم به «چالش‌برانگیز».

«... تمامیت جنبش تحلیل کاربردی رفتار بیش از آنکه شبیه علم باشد، روزه‌روز بیشتر شبیه یک فرقه می‌شود: رهبر کاریزماتیک، دکترین، درماندگی از روبه‌روشدن با انتقادات، تفتیش عقاید و تهدید علیه هرکسی که (هرچند با ملاحظه) انتقاد کند، بدگویی دربارهٔ منتقدان، اقدامات نمایشی و تبلیغی برای دعوت عام و جذب همکیش.» (Jordan, 2001)^۱
به‌نقل از (Fitzpatrick, 2009: 141)^۲

۱. ریتا جردن روان‌شناس، معلم کودکان اوتیستیک و استاد تمام بازنشستهٔ دانشگاه بیرمنگام.
۲. مایکل فیتزپاتریک، پزشک بریتانیایی که از منتقدان شبه‌علم‌های مدعی درمان اوتیسم و باورهای غیرعلمی مانند وجود ارتباط میان واکسیناسیون و اوتیسم است. از او کتاب‌هایی مانند توهم مخرب: شکست اوتیسم و استبداد نظام سلامت توسط انتشارات راتلج منتشر شده است.

رمینگتون و همکاران (2007 به نقل از Fitzpatrick, 2009) در یک پژوهش، افرادی را که مداخلهٔ تحلیل کاربردی رفتار را در خانه دریافت کرده‌اند با افرادی که این مداخله را دریافت نکرده‌اند در طول یک بازهٔ زمانی دوساله مورد مطالعه و مقایسه قرار داده‌اند و با بررسی معیارهایی مانند هوش، کاربرد زبان، مهارت‌های مربوط به زندگی روزمره و معیار آماری مربوط به «بهترین نتایج» معلوم شد که اکثریت پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نداشته‌اند.

مگیاتی^۱، چارمن^۲ و هالین^۳ (2007) نیز در پژوهش خود هیچ تفاوت قابل توجهی در مجموعه شاخص‌های ارزیابی پیامدها و اثرات نیافته‌اند، بلکه متوجه تفاوت‌های چشم‌گیر اثرات در داخل هریک از دو گروه کنترل و آزمایش شدند. هاگزبرو^۴ (2011 به نقل از Milton, 2016) نیز در پژوهش خود متوجه شد که، به‌طور متوسط، انجام تحلیل کاربردی رفتار تأثیری منفی بر شاخص‌های استاندارد شده دارد. با این حال والدین کودکانی که در چنین برنامه‌هایی مشارکت می‌کردند انتظارات بالایی از پیشرفت آموزشی کودکانشان داشتند و متخصصان و والدینی که از این روش استفاده می‌کردند جانبدارانه مدعی بالاترین سطح پیشرفت کودکان گروه خود در مقایسه با سایر گروه‌ها بوده‌اند. در پژوهش کوپفرستاین^۵ (2018) نیز نتیجه‌ای مشابه حاصل شده است.

«من عملاً هیچ شخصیت مشترک اجتماعی، آگاهانه و خودخواسته‌ای بیرون از این تظاهر به بهنجاربودگی غیراوتیستیک - که نه آن را درک می‌کنم، نه به آن تعلق دارم و نه هویتی از آن می‌گیرم - ندارم. جهان بیرون از من این تظاهر بدون تعلق و ساختگی را به رسمیت می‌شناسد اما خود واقعی و دارای حس تعلقم را نمی‌پذیرد. هر تکه از این به رسمیت شناخته شدن این تظاهر سنگی بر گور خود واقعی من است، خودی که زنده‌به‌گور شده است.» (Williams, 1996:243)

در این جملات، دونا ویلیامز، [نویسنده، معلم و مجسمه‌ساز اوتیستیک] فقید، اشاره می‌کند اینکه کسی با تکرار کردن یاد بگیرد که چگونه مانند فردی غیراوتیستیک رفتار کند، اثر

1. Magiatin
2. Charman
3. Howlin
4. Hogsbro
5. Kupferstein

«صورتک‌زنی»^۱ را در پی دارد که بر سلامت روان و تندرستی اثراتی مخرب دارد. ویلیامز (1996) مستقیماً استفاده از تکنیک‌های رفتارشناختی مانند تحلیل کاربردی رفتار را نقد می‌کند، زیرا که این روش‌ها صرفاً روی ظواهر و کارکردها کار می‌کند و فاقد هرگونه تناسب و توجه به نگرش‌های افراد اوتیستیک هستند. به‌نظر ویلیامز، [افراد اوتیستیک] این تکنیک‌ها را «مانند آیینی بی‌معنا و آزارگرانه حس می‌کنند، هرچند نیت پشت چنین کارهایی "خیر" باشد». (Williams, 1996:51)

پژوهش اخیری که کوپفرستاین (2018) دربارهٔ ارتباط بالقوه میان تحلیل کاربردی رفتار، اختلال اضطراب پس از سانحه و افراد اوتیستیک انجام داده است نشان می‌دهد پاسخ‌دهندگان در همهٔ گروه‌های سنی، که تحت مداخلهٔ تحلیل کاربردی رفتار قرار گرفته‌اند، ۸۶ درصد بیشتر از آن‌ها که تحت مداخلهٔ تحلیل کاربردی رفتار نبوده‌اند واجد معیارهای تشخیصی اختلال اضطراب پس از سانحه بوده‌اند.

مسائل اساسی مربوط به نظریه و کاربرد تحلیل رفتار کاربردی:

- اینکه کدام رفتارها تقویت شوند و کاربردی و واجد اهمیت اجتماعی قلمداد شوند توسط فردی بیرونی تعیین می‌شود (و نه با توجه به خواست و نظرات خود افراد اوتیستیک)؛
- تقویت رفتاری ممکن است به‌شکلی نامناسب انجام شود (مثلاً ابراز پی‌درپی احساسات تحسین‌آمیز، در آغوش کشیدن، و تنبیهاتی که به‌صورت بالقوه درونی شده‌اند و تشویق‌هایی مانند زمان استراحت)؛

۱. Masking: فرد اوتیستیک برای پیشگیری از قضاوت دیگران یا مورد تمسخر قرار گرفتن تلاش می‌کند برخی از حساسیت‌های حسی به نور، صدا، مزه‌ها، لمس و... یا رفتارهایی که برای تخلیهٔ روانی انجام می‌دهد (مانند تکان دادن دست‌ها، زمزمه و...) را بپوشاند. این وضعیت هم انباشت حسی بیشتری برای وی در پی دارد و هم تنش‌های روانی تحمیل شده به فرد را افزایش می‌دهد و هم انتظارات و نگرش‌های دیگران را متأثر می‌کند، زیرا باعث می‌شود متوجه آزار دیدن فرد اوتیستیک از آن شرایط خاص که انباشت حسی و اضطراب در پی دارد نشوند و کمکی به تعدیل و تغییر آن شرایط نکنند و همه‌چیز را عادی بدانند. برای اطلاعات بیشتر ن.ک به:

Chapman, L. (2020). "Don't treat autistic people like they're a problem, because we're not!": An exploration of what underpins the relationship between masking and mental health for autistic teenagers. Doctoral dissertation, UCL (University College London).

۲. به‌واسطهٔ آنکه این مداخله انباشت حسی و فشار روانی زیادی به فرد اوتیستیک وارد می‌کند، زمان توقف این مداخله بابت استراحت برای فرد اوتیستیک اهمیت زیادی دارد و همین باعث می‌شود مداخله‌گر در این روش از وعدهٔ زمان استراحت برای مجبور کردن فرد اوتیستیک به انجام کاری که تعیین شده استفاده کند.

- یادگیری با تکرار می‌تواند باعث شود افراد طوری رفتار کنند که گویی مشکلاتشان وجود خارجی ندارد، یا منتهی به واکنش‌های خودکار [او از روی عادت] شود؛
- مسلماً این ادعا که روش تحلیل رفتار کاربردی برای همه مناسب است نادرست است؛
- تمرکز بر رفتار به‌قیمت بی‌توجهی به [تقویت] فهم و شناخت آگاهانه [در فرد]؛
- تمرکز در اغلب اوقات بر اطاعت و انطباق و مبتنی بر پیش‌فرض‌های هنجاری بودن؛
- کاهش امکان کنجکاوی و جست‌وجوگری طبیعی [در فرد اوتیستیک]؛
- استفاده ابزاری از تقویت‌های رفتاری که معمولاً بیش از آنکه مبدأشان انگیزه‌ها و فعالیت‌هایی درونی فرد باشد، ناشی از امور بیرونی است؛
- فقدان [ایجاد توانایی] برای تعمیم «مهارت‌های» جدیدی که یادگرفته شده؛
- گاهی تنبیه به‌عنوان آخرین راه حل [در این روش] تأیید می‌شود؛
- فشردگی و شدت برنامه (گاهی پیشنهاد می‌شود که فرد ۴۰ ساعت در هفته تحت تحلیل رفتار کاربردی باشد)

در عوض، پیشنهاد می‌شود که مداخلات باید:

- رهیافتی کل‌نگر با محوریت فرد اتخاذ کنند که در آن به حساسیت‌های تنوع عصب‌شناختی، تفاوت در ادراکات حسی، نگرش‌های سوپژکتیو، نظریه‌شناختی و مدل اجتماعی معلولیت توجه شود؛
- ایجاد مفاهیم و ارتباط میان همهٔ کسانی که در موضوع دخیل هستند؛
- دسترس‌پذیر ساختن بیش از پیش محیط؛
- کاهش مواجهه و مقابلهٔ مستقیم؛
- ملاحظات اخلاقی باید در هر مرحله از فرایند کسب صلاحیت‌های شغلی و حرفه‌ای ادغام شوند؛
- استفاده از روش‌های خطرناک خویشتن‌داری یا انزوای اجباری باید تخلف انضباطی محسوب شوند؛
- نگرش‌های مبتنی بر تنوع عصبی باید در همهٔ مراحل کسب صلاحیت‌های شغلی و حرفه‌ای ادغام شوند.

- ایجاد اجتماعات محلی مبتنی بر تخصص و تجربه، استفاده از تجارب و تخصص‌های بینارشته‌ای و البته قرار دادن افرادی که تنوع عصب‌شناختی دارند در مرکز همهٔ ملاحظات. با اینکه می‌توان انتقادات مشابهی را دربارهٔ سایر مداخلات هنجاری در وضعیت افراد دارای تنوع عصب‌شناختی طرح کرد، افرادی که تحت این مداخلات بوده‌اند بسیار کمتر از روش تحلیل کاربردی رفتار (ABA) یا تقویت رفتاری مثبت (PBS) است. با اینکه اقدامات فردی والدین و درواقع متخصصان ممکن است به دنبال عادی‌سازی روش تحلیل کاربردی رفتار نباشد، کاستی‌های مربوط به جوانب نظری و عملی آن به این معنی است که باید به فراتر از دامنهٔ این روش توجه کنیم. بنابراین تأیید روش تقویت رفتاری مثبت توسط کمیسیون کیفیت خدمات مراقبتی، در کنار استفادهٔ گسترده از آن در خدمات سلامت روان نیازمند بازبینی فوری است. برای اقدام آتی، پیشنهاد می‌شود رهیافت‌هایی نویدبخش که فرد را در مرکز توجه قرار می‌دهد و به ابعاد اجتماعی حساسیت دارند و توسط گروه‌هایی مانند استودیو ۳ و ای.تی اوتیسم در حال توسعه هستند به میانجی پژوهش‌هایی که سطح کیفی بالایی دارند مورد بررسی قرار گیرند.

Child Autism UK (2018). ABA and autism. Accessed online at: <https://www.childdautism.org.uk/aboutautism/applied-behaviour-analysis-aba-and-autism/>

Chown, N. (2014). More on the ontological status of autism and the double empathy problem. *Disability and Society*. Vol. 29(10): 1672-1676.

Dalmyne, E. (2018). Applied Behavioural Analysis: First-Hand Accounts, Accessed online at: <http://www.autismdailynewscast.com/applied-behavioural-analysis-first-handaccounts/27715/emmadalmyne/3/>

Fitzpatrick, M. (2009). *Defeating Autism: A Damaging Delusion*. London: Routledge

Hassiotis, A., Poppe, M., Strydom, A., Vickerstaff, V., Hall, I. S., Crabtree, J., and Cooper, V. (2018). Clinical outcomes of staff training in positive behaviour support to reduce challenging behaviour in adults with intellectual disability: cluster randomised controlled trial. *The British Journal of Psychiatry*, 1-8.

Hastings, R. (2013). Behavioural method is not an attempt to ‘cure’ autism, Accessed online at: <https://theconversation.com/behavioural-method-is-not-an-attempt-to-cure-autism-19782>

Heasman, B., & Gillespie, A. (2017). Perspective-taking is two-sided: Misunderstandings between people with Asperger’s syndrome and their family members. *Autism*, published online July 2017: <http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1362361317708287#articleCitationDownloadContainer>

Hughes, M-L. (2008). ABA – Giving Science a Bad Name? Accessed online at: <https://thepsychologist.bps.org.uk/volume-21/edition-5/letters>

Keenan, M., Dillenberger, K., Rottgers, H., Dounavi, K., Jonsdottir, L., Moderato, P., Schenk, J., VireusOrtega, J., Roll-Pettersson, L. and Martin, N. (2014). Autism and ABA: The Gulf Between North America and Europe, *Review Journal of Autism and Developmental Disorders*. Vol. 2(2): 167-183.

Kupferstein, H. (2018). Evidence of increased PTSD symptoms in autistics exposed to applied behavior analysis, *Advances in Autism*, Vol. 4(1): 19-29.

Magiati, I., Charman, T. and Howlin, P. (2007). 'A two-year prospective follow-up study of community-based early intensive behavioural intervention and specialist nursery provision for children with autism spectrum disorders', *Journal of Child Psychology and Psychiatry*. Vol. 48 (8): 803-812.

Mason, M. (2005). *Incurably Human*. Nottingham: Inclusive Solutions.

Milton, D. (2012). On the Ontological Status of Autism: the 'Double Empathy Problem'. *Disability and Society*. Vol. 27(6): 883-887.

Milton, D. (2014). So, what exactly are autism interventions intervening with? *Good Autism Practice*, Vol. 15(2): 6-14.

Milton, D. (2016). Educational discourse and the autistic student: a study using Q sort methodology [doctoral thesis]. Birmingham: University of Birmingham.

Milton, D. (2017). Challenging the ideology of idealised normalcy. in: Milton, D. and Martin, N. eds. *Autism and Intellectual Disabilities in Adults*, Vol. 2. Hove, UK: Pavilion Press.

Omum2 (2018). ABA and Autism – the thorny problem of control and consent, Accessed online at: http://smallbutkindamighty.com/2015/06/16/aba-and-autism-the-thorny-problem-of-control-andconsent/?utm_content=buffer71bf8&utm_medium=social&utm_source=twitter.com&utm_campaign

Realsocialskills (2018). ABA therapy is not like typical parenting, Accessed online at: <http://realsocialskills.org/post/120453082402/aba-therapy-is-not-like-typical-parenting>

Research Autism (2018). Applied Behavioural Analysis, Accessed online at: <http://www.researchautism.net/autism-interventions/types/behavioural-anddevelopmental/behavioural/applied-behaviour-analysis-and-autism>

Sasson, N. J., and Morrison, K. E. (2017). First impressions of adults with autism improve with diagnostic disclosure and increased autism knowledge of

peers. Autism, published online November 17th,
2017: <http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1362361317729526>

Stanford Encyclopedia of Philosophy (2015). Behaviorism. Accessed online
at: <https://plato.stanford.edu/entries/behaviorism/>

Unstrange Mind (2018). ABA, Accessed online
at: <https://unstrangemind.wordpress.com/2014/10/07/aba/>

UK Society of Behaviour Analysts (2018). Behaviour Analysis. Accessed online
at: <http://uksba.org/behaviour-analysis/>

Wilhite, C. (2015). Transgender people and behavior analysis' dark past.
Accessed online at: <http://www.bsci21.org/transgender-people-and-behavior-analysis-dark-past/>

Williams, D. (1996). Autism: An Inside-Out Approach. London: Jessica
Kingsley.



انجمن حمایت از حقوق کودکان
گروه ترجمه کمیته پژوهش

آدرس دفتر مرکزی: تهران، ابتدای خیابان سهروردی شمالی،
کوچه سلطانی (قرقاول)، پلاک ۳۷

ایمیل: info@irsprc.org

تلفن: ۸۸۵۳۱۱۱۴ - ۰۲۱ و ۸۸۵۰۱۴۱۴ - ۰۲۱